

آثار تاریخی توسط شهروندان عادی و بعد دیگر آن یعنی بی‌توجهی به رسیدگی به چنین آثاری توسط مسوولان نیاز به نگاه جامعه‌شناختی وجود دارد.

دانش جامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی درباره چنین پدیده‌هایی چه می‌گوید؟

دکتر علی سوندرومی در این باره می‌گوید: گاهی فرد وضعیت آسیب خورده ای دارد.

این آسیب را از نظام اجتماعی یا محیط بیرونی دریافت کرده است.

یعنی آسیب درونی نیست. در واقع ممکن است بدرفتاری شدیدی در خانواده تجربه کرده باشد یا ممکن است در محیطی مثل گروه همسالان در معرض قلدری قرار گرفته باشد. ممکن است در مدرسه با او رفتارهای بدی کرده باشند یا در موقعیت خانوادگی تحقیر شده باشد و در این شرایط این عقده را به شکل تهاجم به بیرون و تخریب اموال عمومی بروز بدهد. برای التیام خشمش نیاز به یک کار مخرب دارد و می‌رود به طرف تخریب یک شی.

فردی در موقعیتی در جاهای دیگر آسیب دیده و چون نمی‌تواند این آسیب را برگرداند به والدین و دوستان و آشنایانش. پس آسیب را برمی‌گرداند به آن محیطی که این آسیب را به او زده است.

از طرفی می‌خواهد عواقبی هم برایش نداشته باشد. پس می‌رود به سراغ اموال و آثار عمومی و چیزهایی که متولی ندارد و یا قابلیت چندان برای پیگیری ندارد.

گاهی فرد به رفتار تخریب خود به عنوان یک رسانه و یک پیام نگاه می‌کند.

حالا بستر پیامش مثلاً مبللمان شهری یا آثار فرهنگی‌ست که فرضش بر این است که این ماندگار است و می‌ماند تا یک پیام عاطفی، قومیتی، جنسیتی و... را برساند.

این میان توجه به جنبه بصری یک اثر تاریخی یا یک المان شهری نیاز به رسیدن به حدی از رشد در شعور اجتماعی دارد و تاثیر آموزش در ارج گذاشتن جامعه به تمدن و به فرهنگ پیشینیان نیز خیلی مهم است که بخش آموزشی و رسانه خیلی به این موضوع توجه نمی‌کنند.

اگر گاهی یک اثر تاریخی به یکباره فرو بریزد، این فرو ریزی به ظاهر یکباره است و در باطن ناشی از سال‌ها بی‌توجهی مسوولان امر از قبیل اوقاف و میراث فرهنگی و تخریب‌های عامدانه شهروندان عادی بر بدنه‌ی یک اثر تاریخی بوده است که روی هم تلنبار شده و به یکباره خود را به شکل فروپاشی نشان داده است. یک طرف دلیل تخریب عامل انسان است و تعمدش و طرف دیگر ظاهراً عامل تخریب طبیعت و آب و هوا است اما می‌شود گفت باز هم این عامل نیز به نوعی به بی‌توجهی انسانی به یک بنا برمی‌گردد.

یعنی باز هم عامل انسانی پشت سر ماجرا قرار داشت. از مالکان و وارثانی که دلشان نمی‌سوزد تا شهرداری مسئولانی که نیامد هرچه زودتر وارد گود عمل نشدند و سعی نکردند با نامه‌نگاری چند جلسه و پیگیری، زودتر موجبات کاری را فراهم کنند. اما مگر مسوولان بی‌توجه به آثار تاریخی از مرخ آمده‌اند؟ از دل همین مردم یادگاری بنویس روی آثار تاریخی به پا خاسته‌اند دیگر. مگر غیر از این است؟!

با این اوصاف و با توجه به اینکه بارها دیده شده بخشی از مردم ناآگاه ما دست به تخریب‌های عامدانه نسبت به میراث فرهنگی می‌زنند و این نمونه‌ها را در ماجرای پتک زدن بر منبر سنگی یا ایستادن و نشستن بر پله‌های یخدان‌های دوقولو و یادگاری نوشتن، فراوان می‌بینیم.

تخریب‌های ناشی از آب و هوا نیز مزید بر علت خواهند بود و معلوم نیست در بارندگی‌های بعدی نوبت کدام اثر تاریخی در شهرستان سیرجان باشد. تخریب‌هایی طبیعی که برای بشر قابل پیش‌بینی هستند و می‌تواند با آنان مقابله کند. همان طور که سقف خانه‌ها برای بارش باران عایق کاری می‌شود، می‌توان با پیش‌بینی اینکه هر اثر تاریخی چه نقطه وضعی در برابر یک تغییر آب و هوایی قابل پیش‌بینی دارد، امکان پیشگیری و جلوگیری از آن وجود دارد اما معمولاً در این آب و خاک علاج واقعه را قبل از وقوع نمی‌کنند و مسوولانش دست روی دست می‌گذارند تا اتفاقی روی بدهد و بعد به چم‌چاره بیفتند.

درباره شناخت چنین پدیده‌هایی مثل تخریب عمدی